

آزمون حضوری
شماره دو



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

| نام درس | مباحث | از صفحه | تا صفحه | مؤلف | ویراستار |
|--------------|----------------------------|---------|---------|--------------------|----------------|
| علوم اجتماعی | درس ۱ تا ۵ صفحه ۱ تا ۴۴ | ۲ | ۸ | محمد ابراهیم مازنی | سعید ستوده مهر |



درس ۱ دهم: کنش‌های ما (آنچه انجام می‌دهیم)

- تمامی مخلوقات، از جمله انسان، در جهان در هر لحظه، کاری انجام می‌دهند. در علوم انسانی، به فعالیت‌هایی که انسان انجام می‌دهد، کنش می‌گویند و به انجام‌دهنده آن، کنشگر می‌گویند.
- کنش انسانی دارای ویژگی‌هایی است که رفتار انسان را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند. بنابراین، عامل تمایز فعالیت‌های انسان از فعالیت‌های سایر مخلوقات، ویژگی‌های موجود در کنش انسانی است.

ویژگی‌های کنش انسانی

- آگاهانه بودن**
 - کنش، آگاهانه است. یعنی کنش آدمی وابسته به آگاهی اوست و بدون آگاهی انجام نمی‌شود.
 - مثال:** اگر آگاهی خود را نسبت به معانی کلمات از دست بدهیم، از گفتار بازمی‌مانیم.
 - مثال:** هنگام استفاده از یک کالای پیچیده، به علت عدم آگاهی از روش استفاده از آن، به سراغ دفترچه راهنمای آن می‌رویم.
- ارادی بودن**
 - کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا خواست و اراده افراد نباشد، انجام نمی‌شود.
 - نکته (۱):** در انجام کنش، علاوه بر آگاهی، اراده نیز لازم و ضروری است. زیرا ممکن است فردی به کاری آگاه باشد، ولی تصمیم (اراده) به انجام آن نگیرد.
 - نکته (۲):** فعالیت‌های طبیعی بدن، مانند ضربان قلب، گردش خون و بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر، کنش نیستند. زیرا به صورت ارادی انجام نمی‌شوند.
 - مثال:** قرار گرفتن انسان‌ها بر سر دوراهی، نشان‌دهنده ارادی بودن کنش است.
- هدفدار بودن**
 - فعالیت‌های انسانی، با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود؛ اگرچه ممکن است انسان همیشه به هدف خود نرسد. بنابراین پرسش «چرا چنین کاری را کردی؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید.
 - مثال:** انسانی که به رودخانه می‌رود، از این کار هدفی دارد. یا قصد شنا دارد، یا قصد ماهی‌گیری و ...
- معنادار بودن**
 - با توجه به سه ویژگی قبلی (آگاهانه، ارادی و هدفدار بودن کنش)، یک ویژگی دیگر برای کنش انسانی پدید می‌آید. کنش انسان، برخلاف رفتار سایر مخلوقات، معنادار است.**
 - مثال:** وقتی دانش‌آموزی در کلاس، دست خود را بالا می‌آورد، معنای کار او اجازه‌خواستن از معلم است.

آثار و پیامدهای کنش انسانی

- پیامدهای کنش‌های انسان با توجه به نقش اراده انسان در آن، به دو دسته پیامدهای ارادی و غیرارادی تقسیم می‌شوند.
- این دسته از پیامدها، به اراده افراد انسانی (یعنی خود کنشگر و یا افراد دیگر انسانی) وابسته است.

این دسته از پیامدها خودشان کنش هستند و باید کنشگری، آن‌ها را انجام دهد.

مثال: دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می‌کند (کنش انسانی)، در پی آن:

اولاً؛ به پرسش‌های آزمون پاسخ می‌دهد. ثانیاً؛ استاد متناسب با تلاش او نمره می‌دهد.

پیامد ارادی کنش است که وابسته به اراده خود کنشگر است. پیامد ارادی کنش است که به اراده افراد دیگر وابسته است.

نکته: پیامدهای ارادی، احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام شود یا انجام نشود.

این دسته از پیامدها، به اراده انسانی بستگی ندارد.

این دسته از آثار، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آن‌ها را اراده کند.

مثال: وقتی شما پنجره‌ها را باز می‌کنید (کنش انسانی)، هوای کلاس تغییر می‌کند.

پیامدهای غیرارادی کنش

نکته: پیامدهای غیرارادی کنش انسان، قطعی است؛ یعنی حتماً انجام می‌شود.

پیامدهای ارادی

(پیامدهای غیرطبیعی، پیامدهای احتمالی)

پیامدهای غیرارادی

(پیامدهای طبیعی، پیامدهای قطعی)



نکته

در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیر ارادی آن انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها، به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند.

درس ۲ دهم: پدیده‌های اجتماعی (آنچه با هم پدید می‌آوریم)

کنش که به معنای فعالیت‌های انسانی است، با ملاک‌های مختلفی، به انواعی تقسیم می‌شوند:

| ملاک تقسیم‌بندی | انواع کنش | توضیحات |
|--------------------------------------|-----------|--|
| محسوس یا غیر محسوس بودن | درونی | کنش‌های ذهنی انسان هستند که قابل مشاهده نیستند. مثال: تفکر، تخیل و تصور کردن |
| | بیرونی | کنش‌هایی هستند که محسوس و قابل دیدن‌اند. مثال: راه رفتن، خوابیدن، قدم زدن و ... |
| ارتباط و توجه به دیگران در انجام کنش | فردی | در انجام آن، انسان به دیگران توجهی ندارد. مثال: به تنهایی به موسیقی گوش دادن |
| | اجتماعی | نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آن‌هاست. نکته (۱): عامل تبدیل کنش فردی به کنش اجتماعی، توجه به دیگران است. نکته (۲): کنش اجتماعی، ممکن است بدون حضور فیزیکی دیگران انجام شود. مثال: رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه شب و به دور از چشم دیگران |

کنش اجتماعی



کنش اجتماعی، نوعی کنش انسانی است که در آن، آگاهی، اراده و توجه آدمی، ناظر به دیگران است. بنابراین کنش انسانی، عام‌تر از کنش اجتماعی است.

کنش اجتماعی و پیامدهای آن، پدیده‌های اجتماعی نامیده می‌شوند؛ در عین حال، کنش اجتماعی، خردترین پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن می‌باشند.

پدیده اجتماعی

آنچه ما انسان‌ها با هم پدید می‌آوریم، پدیده‌های اجتماعی نامیده می‌شود.
 بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، هنجار و ارزش، از پدیده‌های اجتماعی‌اند.
 بسیاری از آداب‌هایی که ما مراعات می‌کنیم، محصول پدیده‌های اجتماعی اطراف ما هستند که به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها پیش روی ما قرار می‌گیرند.

– بررسی دو مورد از پدیده‌های اجتماعی –

۱) **هنجار اجتماعی**: شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. مثلاً در هر جامعه‌ای، احوال‌پرسی از دیگران، شیوه‌های معینی دارد.

۲) **ارزش اجتماعی**: آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی‌اند که مورد توجه و پذیرش هستند و افراد یک جامعه نسبت به آن‌ها گرایش و تمایل دارند. برای مثال، نظم، ادب و عفت از ارزش‌های اجتماعی است.



- نکات
- اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ‌یک از ارزش‌های اجتماعی محقق نمی‌شوند.
 - ارزش‌ها ← از جنس هدف و مقصودند.
 - هنجارها ← از جنس وسیله و روش رسیدن به ارزش‌ها هستند.

– شیوه شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی (ارزش‌ها و هنجارها) –

● ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را ضروری می‌سازند تا از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه؛ ارزش‌ها و هنجارها را به افراد منتقل کنند. افراد با عمل کردن براساس ارزش‌ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آن‌ها می‌شوند.

خلاصه کنش اجتماعی ← تحقق ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ← ضروری ساختن پدیده‌های جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی
← انتقال ارزش‌ها و هنجارها از طریق تعلیم و تربیت ← عمل کردن افراد مطابق ارزش‌ها و هنجارها ← تداوم و استمرار پدیده‌های اجتماعی مانند ارزش‌ها و هنجارها

● تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان، به همین طریق شکل می‌گیرند.

نکته ۱ پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و از آن‌جا که افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند.

نکته ۲ پدیده‌های اجتماعی، به مرور از انسان‌هایی که آن‌ها را به وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند. اما پدیده‌های اجتماعی با پدیده‌های طبیعی متفاوت هستند.

♦♦ درس ۳ دهم: جهان اجتماعی (دنیای گسترده ما) ♦♦

- جهان، واژه‌ای است که معمولاً برای اشاره به مجموعه‌های بزرگ به کار می‌رود. جهان اجتماعی نیز، مجموعه پدیده‌های اجتماعی است.
- برای شناخت بهتر مفهوم جهان اجتماعی، آن را با موجودات زنده مقایسه می‌کنیم. در هر مقایسه‌ای، تفاوت‌ها و شباهت‌های دو مفهوم باید بررسی شود.

♦♦ مقایسه جهان اجتماعی با موجودات زنده ♦♦

جهان اجتماعی، همانند موجودات زنده، اعضای مختلفی دارد و این اعضا در ارتباط با هم، از نوعی نظم برخوردارند. نظم از ویژگی‌های مهم جهان اجتماعی است.

اعضای جهان اجتماعی، همانند اعضای موجودات زنده، به یکدیگر وابسته‌اند و در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند.

۱) شباهت‌ها

- جهان اجتماعی ← اعتباری است و با اراده و آگاهی انسان به وجود می‌آید. آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، آگاهی مشترک و عمومی است.
- عضویت اعضا و نظم در
- موجودات زنده ← تکوینی است؛ یعنی براساس آگاهی و اراده اعضا به وجود نمی‌آید و به همین دلیل، با اراده اعضا تغییر نمی‌کند.

۲) تفاوت‌ها

- موجودات زنده طول عمر معینی دارند. آن‌ها از طریق زاد و ولد، زندگی خود را در طول زمان تداوم می‌بخشند. ویژگی‌های آن‌ها از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. اما جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ خود به نسل‌های بعد تداوم می‌یابد. فرهنگ از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود.

نکته

هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد:

الف) جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد.

ب) جهان اجتماعی آن دگرگون شده و به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

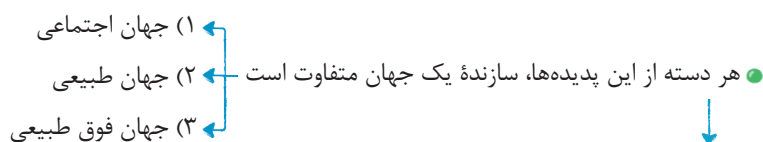
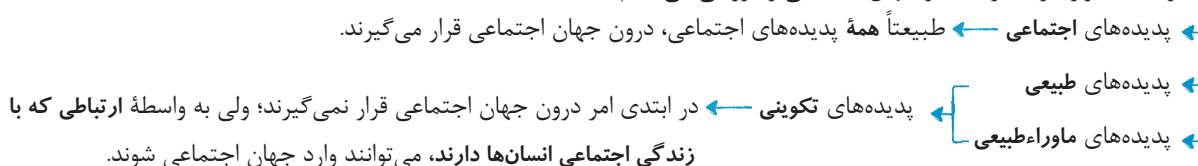
جامعه و فرهنگ

- جامعه گروهی از انسان‌ها هستند که سالیان متمادی با هم زندگی می‌کنند. اما فرهنگ، شیوه زندگی این افراد است. نوع خوراکی‌ها، پوشش‌ها، آداب و رسوم، باورها و ارزش‌های اخلاقی و ... از ویژگی‌های فرهنگی هستند.

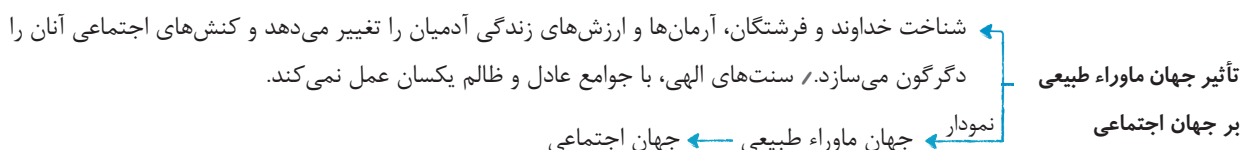
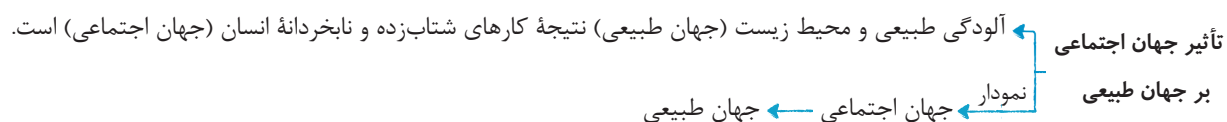
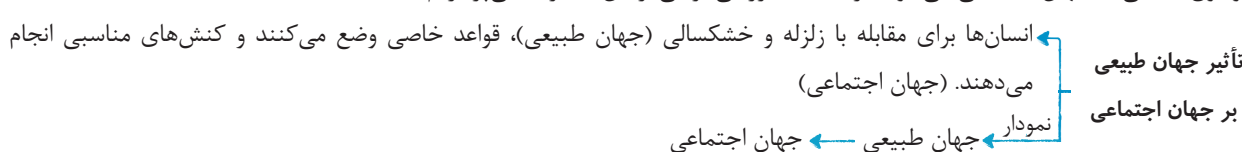
| | |
|-------------|---|
| فرهنگ عمومی | آن بخش از فرهنگ، که همه اعضای جهان اجتماعی در آن اشتراک دارند، فرهنگ عمومی است. |
| خرده فرهنگ | بخش‌هایی از فرهنگ که مربوط به قوم، قشر، صنف یا گروه خاصی است، خرده فرهنگ نامیده می‌شود. خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی، خرده فرهنگ موافق نامیده می‌شوند. اغلب خرده فرهنگ‌ها با فرهنگ عمومی سازگارند. خرده فرهنگ‌های ناسازگار با فرهنگ عمومی، ضد فرهنگ نام دارد. |

گستره جهان اجتماعی

- منظور از گستره جهان اجتماعی، مجموعه پدیده‌هایی است که درون این جهان قرار می‌گیرند. به طور کلی از سه دسته پدیده می‌توان نام برد که وضعیت قرارگیری هر یک در جهان اجتماعی را بررسی می‌کنیم:



این جهان‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. این تأثیر و تأثر، موجب گسترش جهان اجتماعی و ورود پدیده‌های طبیعی و فوق طبیعی به جهان اجتماعی می‌شود. در ادامه به بررسی برخی از این تغییرات می‌پردازیم:



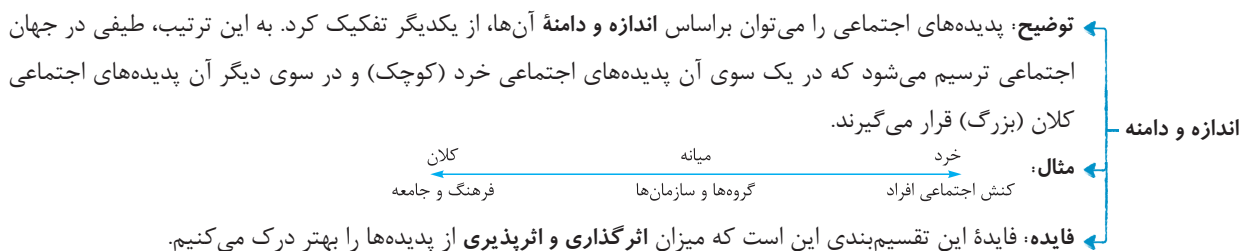


درس ۴ دهم: اجزاء و لایه‌های جهان اجتماعی (تشریح جهان اجتماعی)

- برای شناخت بهتر جهان اجتماعی، آن را با موجودات زنده مقایسه می‌کنند. جهان اجتماعی، همانند بدن موجودات زنده، از اجزاء و لایه‌هایی تشکیل شده است.

اجزای جهان اجتماعی

- پدیده‌های اجتماعی، اجزای جهان اجتماعی‌اند که می‌توان آن‌ها را با توجه به دو معیار تقسیم‌بندی کرد:



- توضیح: پدیده‌های اجتماعی را از حیث عینی یا محسوس بودن؛ یا ذهنی و نامحسوس بودن، می‌توان در یک طیف قرار داد.



- فایده: در جهان اجتماعی، بعد ذهنی و معنایی پدیده‌ها اهمیت بسیاری دارد.

- نکته: تمامی پدیده‌های اجتماعی، بعد معنایی و ذهنی دارند؛ اما همه پدیده‌ها، بعد محسوس و عینی ندارند.

لایه‌های جهان اجتماعی

- اعضای بدن موجودات زنده، از لحاظ اهمیت یکسان نیستند و قلب و مغز، اهمیت بیشتری نسبت به سایر اعضا دارند. در جهان اجتماعی نیز، برخی لایه‌های جهان اجتماعی، از اهمیت بیشتری برخوردارند.

| | |
|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> ● بخش‌هایی از جهان اجتماعی هستند که به آسانی تغییر می‌کنند و تغییر آن‌ها، تحول مهمی در جهان اجتماعی پدید نمی‌آورد. | لایه‌های سطحی جهان اجتماعی (هنجارها و نمادها) |
| <ul style="list-style-type: none"> ● می‌توانند حذف شوند و با حذف آن‌ها، جهان اجتماعی هم‌چنان تداوم می‌یابد. ● هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از هنجارها و نمادها نیست؛ اما هنجارها و نمادها برحسب شرایط قابل تغییراند. ● تغییر آن‌ها تا زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق منجر نشود، موجب تغییر و تحول بنیادین در جهان اجتماعی نمی‌شود. | |
| <ul style="list-style-type: none"> ● بخش‌هایی از جهان اجتماعی هستند که به آسانی تغییر نمی‌کنند و اگر حذف شوند، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد. ● تأثیرات تعیین‌کننده بر جهان اجتماعی دارند. | لایه‌های عمیق جهان اجتماعی (عقاید و ارزش‌ها) |
| <ul style="list-style-type: none"> ● عمیق‌ترین لایه جهان اجتماعی ← عقاید کلانی که بر ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. ● عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی ← باور و اعتقاد انسان‌ها نسبت به اصل جهان ● عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی ← جایگاه انسان در جهان ● عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی ← تفسیر انسان‌ها از مرگ و زندگی خود | |
| نکته: هر جهان اجتماعی براساس عقاید خود، هنجارها، ارزش‌ها و نمادهای خود را سازمان می‌دهد. | |



نهادهای اجتماعی

- وقتی اجزاء و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، نهادهای اجتماعی آشکار می‌شوند.
 - مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی است که برای رفع نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند.
 - شیوه قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازد و متقابلاً شیوه‌های غیر قابل قبول را طرد می‌کند.
 - در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارد، ولی انواع و اشکال متفاوتی دارد.
 - مثال: خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد، از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌اند.
- برای نمونه اجزاء و لایه‌های نهاد تعلیم و تربیت در جدول زیر آمده است:

| نهاد تعلیم و تربیت | | | |
|----------------------------|----------------------------------|----------------------------|-----------------------|
| نمادها | هنجارها | ارزش‌ها | عقاید |
| دفتر، قلم، دانش آموز، کلاس | برای داناشدن، باید به مدرسه رفت. | دانایی از نادانی بهتر است. | انسان تربیت پذیر است. |

درس ۵ دهم: جهان‌های اجتماعی (انسان، جهان‌های اجتماعی متنوعی پدید می‌آورد)

- نظم و همکاری میان اعضای موجودات زنده یکسان است؛ همکاری دستگاه تنفس و گردش خون در بدن انسان‌ها، همیشه و همه‌جا یکسان است. نظم و همکاری موجوداتی که به صورت جمعی زندگی می‌کنند (مانند زنبورها) نیز، طی عصرهای متمادی تغییری نمی‌کند.
- اما انسان‌ها این گونه نیستند و می‌توانند جهان‌های اجتماعی متفاوتی پدید آورند.

تفاوت میان جهان‌های اجتماعی

- اگر ما تنها جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم ← ممکن است گمان کنیم جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد.
- هنگامی که چشم خود را بر دیگر جوامع می‌گشاییم ← به تنوع جهان‌های اجتماعی پی می‌بریم.
- یا وقتی به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم.

نکته

یک مثال در ارتباط با تنوع جهان‌های اجتماعی، تقسیم کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان در جهان غرب بود.

در جهان غرب ← وظیفه جامعه‌شناسی مطالعه جوامع صنعتی پیشرفته (غربی) بود.

مردم‌شناسی به مطالعه جوامع ساده و ابتدایی (غیرغربی) می‌پرداخت.

جامعه‌شناسان، جوامع ابتدایی را متعلق به گذشته بشر می‌پنداشتند؛ اما مردم‌شناسان به عمق اشتباه جامعه‌شناسان پی بردند. از اینرو یکی از مهم‌ترین انتقادات به خودمداری فرهنگ غرب و تصور ساده آن‌ها از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.

علت تفاوت و تنوع جهان‌های اجتماعی

- رفتار سایر موجودات، ناآگاهانه و غریزی است ← بنابراین دارای یک شیوه زندگی هستند.
- انسان‌ها آگاه و خلاق هستند.
- در مقابل ← در مقابل فرهنگی که به آن‌ها از طریق تربیت منتقل می‌شود، منفعل نیستند و فعال و تأثیرگذارند.
- نتیجه: تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آن‌ها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.



– نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف –

● براساس تقسیم‌بندی اجزای جهان اجتماعی به لایه‌های مختلف، تفاوت‌های مختلفی نیز در جهان اجتماعی پدید می‌آید:

| | |
|--|---|
| ● تفاوت‌های مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی (هنجارها و نمادها) | ● از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد. |
| ● تفاوت‌های مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی (ارزش‌ها و عقاید) | ● درون یک جهان اجتماعی پذیرفته می‌شود. |
| | ● جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. |
| | ● از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است. |

تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) جهان‌های اجتماعی

● در ارتباط با این‌که آیا جهان‌های اجتماعی، مسیرهای رشد یکسانی دارند یا متفاوت عمل می‌کنند، دو نظر وجود دارد:

| جهان‌های اجتماعی در طول هم | جهان‌های اجتماعی در عرض هم |
|---|---|
| ● عده‌ای از جامعه‌شناسان، از جمله اگوست کنت، اسپنسر، دورکیم و مارکس، معتقدند جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و مسیر یکسانی را طی می‌کنند. | ● عده‌ دیگری از اندیشمندان، از جمله مردم‌شناسان معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند و فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورند. |
| ● معتقدند همه جهان‌های اجتماعی شبیه یک موجود زنده‌اند و تفاوت آن‌ها، همانند تفاوتی است که موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود را طی می‌کند. | ● معتقدند تفاوت میان جهان‌های اجتماعی، همانند تفاوت دو گونه متفاوت (مانند شیر و آهو) است. |
| ● در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند و جوامع عقب‌مانده، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند. این موضوع منجر به شکل‌گیری نظریه استعمار شده است که امروزه به استثمار تبدیل شده است. | ● مطابق با این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف، با روابط متقابلی که دارند، می‌توانند به صورت سالم و فعالانه از یکدیگر تجربه کسب کنند؛ اما نمی‌توانند مسیر دیگری را ادامه دهند. |
| ● مطابق با این دیدگاه، دورکیم، حرکت جوامع بشری را به دو مرحله تقسیم می‌کند: (۱) جوامع مکانیکی: در آن تقسیم کار شکل نگرفته است یا در حد ساده و ابتدایی (مانند تقسیم کار سنی و جنسی) است. (۲) جوامع ارگانیکی: در آن تقسیم کار گسترده وجود دارد. | ● مردم‌شناسان، براساس این دیدگاه، از جهان‌های اجتماعی متفاوت همچون غرب، اسلام، چین و هند یاد می‌کنند. |